یادداشت

## سریع‌تر، قوی‌تر و بالاتر

مصطفی کارخانه

سرمربی پیشین تیم‌ملی والیبال و مشاور فنی تیم‌ملی جوانان

برای ارزیابی واقعی باید هر دو نیمه لیوان را ببینیم. ما در این دوره از رقابت‌های لیگ ملت‌ها جنگنده و شاداب نبودیم. از نظر جسمی کم آوردیم. سردرگم بودیم. در مجموع آن تیمی نبودیم که ده سال دل ملت را شاد می‌کرد و من از طرف این تیم از مردم معذرت می‌خواهم. به هر حال این بازیکنان نیز فرزندان همین سرزمین‌اند و یقینا از حاصل کار خشنود نیستند اما باید در نظر داشته باشیم، کسب نتیجه در این دوره از اهداف ثانویه بود. این جمله را به حساب توجیه نگذارید. هدف اصلی سرمربی و کادر فنی شناخت بازیکنان، ترکیب تیمی، سنجش ظرفیت‌های افراد جدید تحت فشار و تدارکات و کسب تجربه برای ادامه مسیرمان در المپیک بود.

ژاپن، رقیب آسیایی ما و قهرمان المپیک هم با اندکی اختلاف و پیش از ایران، در جایگاه یازدهم مسابقات قرار گرفت. آلمان، هلند، استرالیا که سابقه بیشتری دارند پایین‌تر از ایران قرار گرفتند. ما در سرویس پرشی با قدرت و ریسک بالا، دفاع روی تور و پاس‌های بلند عملکرد بهتری نسبت به گذشته داشتیم. به جوانانی مانند بردیا سعادت، میثم صالحی، صابر کاظمی و چند بازیکن دیگر فرصت دادیم. اینها نقاط قوتی است که باید برای ارتقای آن برنامه‌ریزی کنیم. از طرفی در دریافت اول افت داشتیم. با استعفای فرهاد قائمی در این پست افت و خیزهایی به وجود آمد. از نظر روانی پرنوسان بودیم. عملکردمان در توپ‌گیری داخل میدان خوب نبود. شروع بد و پایان بدتری داشتیم که باید بررسی و مشکلات تا المپیک رفع شود. به هر حال اگر برای کسب نتیجه رفته بودیم سرمربی مثل گذشته بر حضور ۶بازیکن باتجربه تمرکز می‌کرد و با خسته کردن آنها در آستانه المپیک قطعا پیروزی‌های بیشتری را رقم می‌زد. این دوره لیگ ملت‌ها بعد از کرونا و مدت‌ها دوری یک الگو بود. ان‌شاءا... کرونا ریشه‌کن شود اما اگر سال بعد هم ادامه داشته باشد باید از تجربه امسال درس بگیریم. تمرینات دیر شروع شد و افت جسمی بازیکنان مشهود بود. تیم ایران کم‌کم در ادامه بازی‌ها افت کرد در حالی‌که بسیاری از تیم‌ها هر چه پیش رفتند، رشد کردند. همین ضعف بدنی پاشنه آشیل ما شد. وقتی جسم کم بیاورد ذهن هم به هم می‌ریزد. بازی‌هایی که باید می‌بردیم را باختیم البته پیروزی‌های شگفت‌انگیز هم داشتیم.

ما ناگزیر در مسیر گذار قرار گرفته‌ایم گرچه در راه تغییر دو نکته را باید در نظر داشت. اول این‌که به سرمایه‌سوزی نیفتیم. سال‌ها تلاش کردیم تا ستاره‌ها را به سطح مطلوب برسانیم. آزمون و خطاها را پشت سر بگذارند، صبوری و سعه صدر نشان دادیم تا بازیکنان، بزرگ و عملکردشان خوب شود. همیشه زمان زیادی سپری می‌شود تا یک نسل ساخته شود بنابراین وقتی به نزدیکی دوران تغییر هم می‌رسیم باید مسیر رفت را تدریجی بازگردیم. دوم این‌که سالی یکی، دو ورزشکار جدید به پیکره تیم اضافه کنیم تا پویایی حفظ شود، بازیکنان تازه نفس و جدید در کنار با تجربه‌ها به تکامل می‌رسند. این حالت ایده‌آل و راه درست است. تیم‌های حرفه‌ای دنیا هم این‌طور عمل می‌کنند.

هشت باخت پشت سر هم کار را سخت کرد. کار فدراسیون والیبال، کارشناسان دلسوز، سرمربی و کادر فنی در حال حاضر ارزیابی همین نقاط ضعف و قوت است. تیم بازنگری و ریکاوری نیاز دارد. برای المپیکی بودن باید تفکر المپیکی داشت. زمانی برای آزمون و خطا نداریم. بر رویکرد جنگندگی و تسلیم ناپذیری تمرکز کنیم. حواس‌مان به امتیازاتی که سخت و آسان به دست می‌آوریم باشد. قدرت و فکر را در کنار هم پرورش دهیم. هر کسی در هر جایگاهی؛ مربیان، بازیکنان و فدراسیون باید از همه ظرفیت‌های خود استفاده کند. در والیبال اگر به همین شعار «سریع‌تر، قوی‌تر و بالاتر» عمل کنیم به آنچه می‌خواهیم رسیده‌ایم.

## خبر تلخ؛ عسگری دوپینگی شد

در فاصله کمتر از یک ماه مانده به رقابت‌های المپیک تست دوپینگ دو ورزشکار ایرانی مثبت اعلام شد. ابتدا بهمن عسگری کاراته‌کای مطرح کشورمان بود که ناخواسته گرفتار این پدیده شوم شد. او که در رقابت‌های جهانی اسپانیا تست داده بود، به تازگی متوجه شد نمونه دوپینگش مثبت بوده است. این چهره مطرح کاراته که درگیر بعضی مسائل شخصی بود، به دلیل اشتباه پزشک غیرورزشی خود دوپینگی از آب درآمد. عسگری جزو پرافتخارترین کاراته‌کاهای ایران است. او ۴ مدال طلای جهان را به دست آورده و نشان طلای بازی‌های آسیایی را هم دارد. در تازه‌ترین رنکینگ ورودی المپیک او در وزن منهای۷۵ کیلو در جایگاه اول جهان قرار گرفت و شانس بسیاری برای کسب مدال المپیک داشت. دیروز همچنین فاش شد یکی از خانم‌های تکواندوکار که قرار بود در المپیک روی شی‌هاپ چانگ برود هم دوپینگی از آب درآمده است. البته این بخش از رقابت‌های المپیک مدال ندارد و به صورت نمایشی اجرا می‌شود.

تیم ملی والیبال ایران بعد از ۱۵ بازی و ۱۰ باخت در لیگ جهانی بعد از سال‌ها به رده دوازدهم رنکینگ جهانی سقوط کرد

عکس‌ها: خبر ورزشی

### گفت‌وگو با کیومرث کرده، گزارشگر و کارشناس والیبال درباره لیگ ملت‌ها و شرایط تیم ملی کشورمان

# باختن باید توجیه داشته باشد

رضا پورعالی

ورزش

**یک شروع بد با باخت به ژاپن، سپس ۵ برد متوالی که همه را به آینده تیم ملی با ولادمیر آلکنو امیدوار کرد و بعد ۸ باخت متوالی و یک پایان تلخ. والیبال ایران با وجود آن‌که یکی از ۵ مربی برتر دنیا را روی نیمکت خود داشت، بعد از سال‌ها به رده دوازدهم رنکینگ جهانی سقوط کرد.**

**چرا تیم ملی در رمینی ایتالیا این قدر پرنوسان و بدظاهر شد؟ چرا این قدر بد بازی کرد و چه اتفاقاتی سبب شد بازیکنی مثل میلاد عبادی‌پور در حین مسابقات مصاحبه کند و بگوید حال این تیم اصلا خوب نیست؟ بگوید شرایط آزاردهنده است و این تیم نیاز به چند تغییر دارد! چرا باید آلکنو فریاد بزند و به بازیکنان بگوید خجالت بکشید؟**

**کیومرث کرده، گزارشگر و کارشناس برجسته والیبال دیروز مهمان تحریریه روزنامه جام جم بود تا به این سؤال‌های پرتکرار پاسخ دهد و شرایط تیم ملی را در آستانه بازی‌های المپیک به نقد بکشد.**

***برای اولین بار شاهد عذرخواهی رئیس فدراسیون والیبال بودیم. نتایج اخیر تیم‌ملی، نتایجی نبود که جامعه والیبال و مردم انتظار داشتند.***

قبل از هر چیز خوشحالم از این بابت که آقای داورزنی آمد و از مردم عذرخواهی کرد. ما همانطور که در پیروزی‌ها، حمایت و دعای خیر مردم را پشت سر تیم می‌بینیم در شکست‌ها هم باید پاسخگو باشیم. حتی آقای آلکنو هم باید پاسخگوی این نتایج باشد. آدم‌های زیادی سال‌ها تلاش کردند تا والیبال ایران به جمع ۸تیم برتر دنیا صعود کند و ما نباید خیلی راحت اجازه دهیم این جایگاه ارزشمند از دست برود.

***ارزیابی‌تان از این نتایج چیست؟***

معتقدم به دلیل شرایط کرونا، لیگ والیبال کیفیت همیشگی خودش را نداشت و آلکنو هم چون در ایران نبود، اصلا این رقابت‌ها را تماشا نکرد. فرصت تمرین ملی‌پوشان با آلکنو هم آنقدر کوتاه بود که به شناخت بیشتر این مربی نسبت به بازیکنان کمکی نکرد. در واقع نفراتی از قبل انتخاب شده بودند و تیم‌ملی با این شرایط وارد لیگ ملت‌ها شد. خود فدراسیون هم عنوان کرد که آلکنو شناختی از نفرات نداشته. پس حتما کسانی به این مربی کمک فکری کردند؛ اما این کمک و مشاوره تا چه حد مفید و مثمرثمر بوده؟ باید بپذیریم که مشاوره درستی به آلکنو داده نشده است. در شرایطی که آلکنو هیچ شناختی از نفرات نداشت و کمک فکری خوبی هم به او نشد، طبیعی بود که ما هماهنگی خوبی بین خطوط و پست‌ها شاهد نباشیم. ما نفراتی را در ترکیب تیم دیدیم که بود و نبودشان هیچ تاثیری در روند تیم نداشت و در کنارش نفراتی داشتیم که می‌توانستند به تیم کمک کنند اما خیلی راحت خط خوردند.

***مشخصا درباره چه نفراتی حرف می‌زنید؟***

ما در پست پاسور جواد کریمی جوان را داشتیم که قبلا هم به او میدان داده شد و اتفاقا هم خوب پاس داده بود برای تیم. اما آقای آلکنو خیلی راحت او را کنار زد و تصمیم گرفت تیم را با دو پاسور به ایتالیا بفرستد. اعزام تیم با دو پاسور در شرایطی که سعید معروف کمی کسالت داشت و دو مسابقه اول را به دلیل سرماخوردگی از دست داد، این نگرانی را به‌وجود آورده بود که اگر برای دیگر پاسور تیم، یعنی محمدطاهر وادی اتفاقی بیفتد یا به هر دلیل مصدوم شود، تیم‌ملی بدون پاسور در چه شرایطی گرفتار خواهد شد.

در آن‌سو می‌بینیم آلکنو در بخش دریافت‌کننده قدرتی در حالی نام پوریا فیاضی را در فهرست خود قرار می‌دهد که او به دلیل مصدومیت بازی‌های پلی‌آف لیگ برتر را از دست داده بود و در فرم ایده‌آل بدنی قرار نداشت و دیدیم که خیلی هم مورد استفاده قرار نگرفت. مرتضی شریفی هم همین شرایط را داشت و با وجود مصدومیت و شرایط نامطلوب بدنی در ترکیب قرار گرفت اما بعد او را بازگرداندند و کریمی را جایگزین کردند.

***در بحث مربی‌گری هم قبل از اعزام تیم، با کنار گذاشتن پیمان اکبری شاهد یک اتفاق حاشیه‌ای بودیم.***

بله. من اینجا قصد مقایسه پیمان اکبری با محمدرضا تندروان که به عنوان دستیار ایرانی آلکنو انتخاب شد را ندارم. بحث من این است که چرا فدراسیون درباره این تصمیم هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای ارائه نداد. آنها فقط گفتند این تصمیم آلکنو بوده! در واقع باید پرسید آلکنو که شناخت چندانی درباره بازیکنان ندارد، چطور درباره مربیان به این شناخت می‌رسد و چنین تصمیمی می‌گیرد؟ همه اینها نشان می‌دهد که تیم با شرایط خوبی راهی ایتالیا نشد.

***گویا پیمان اکبری هم حرف‌هایی دارد که بعد از المپیک می‌زند.***

من هم شنیده‌ام. البته یکی به نعل زدن، یکی به میخ پسندیده کسی که سال‌ها کاپیتان تیم‌ملی بوده و در تیم‌های مختلف سرمربیگری کرده نیست. پیمان اکبری می‌گوید سندی دارد که نشان می‌دهد او انتخاب اول آلکنو بوده، اما با وجود انتقادهایی که دارد وقتی از او می‌پرسند اگر برای المپیک اسمش رد بشود تیم را همراهی می‌کند، می‌گوید بله! نمی‌شود هم بگویی بعد از المپیک حرف‌هایم را می‌زنم و هم بگویی هرچه رئیس فدراسیون بگوید می‌پذیرم. این رفتار مصداق بارز ضرب‌المثل یک بام و دو هواست.

***در کل به نظر می‌رسد هدفگذاری درستی برای حضور در لیگ ملت‌ها نداشتیم.***

با شما موافقم. قبل از مسابقات آقای داورزنی در مصاحبه‌های خود گفته بود که ما از آلکنو نتیجه نمی‌خواهیم و به لیگ ملت‌ها به چشم ۱۵ بازی تدارکاتی نگاه می‌شود. رئیس فدراسیون حتی معتقد بود فقط تیم‌هایی که در المپیک نیستند، با تمام قدرت در لیگ ملت‌ها شرکت خواهند کرد، اما حالا که بازی‌های دور مقدماتی به پایان رسیده باید از آقای داورزنی پرسید؛ آیا برزیل، روسیه، لهستان، فرانسه و ژاپن در المپیک نیستند؟ اتفاقا آنها با تمام قدرت در لیگ ملت‌ها شرکت کردند و بهترین عملکرد را هم داشتند.

در کل دو نگاه در رقابت‌های امسال لیگ ملت‌ها وجود داشت. برخی مربیان مثل بلنچینی (سرمربی ایتالیا) به دلیل فشردگی بازی‌های لیگ، به نفرات اصلی استراحت دادند. برخی مربیان هم به دلیل محدودیت‌های ناشی از کرونا، به این بازی‌ها به چشم تنها فرصت جدی بازی‌های تدارکاتی نگاه کردند. اما در عین حال که با تمام بضاعت‌مان در بازی‌ها شرکت کردیم، نتوانستیم از این فرصت، به خوبی برای تدارک تیم استفاده کنیم. وقتی صحبت از بازی‌ها تدارکاتی می‌شود یعنی باختن هم باید در آن با یک منطق خاص صورت پذیرد. شما وقتی در تورنمنت‌های این‌چنینی شرکت می‌کنید باید در روز آخر، چند قدم جلوتر از جایی باشید که روز اول در آن ایستاده بودید. آیا این شرایط برای تیم ما وجود داشت؟ شما ایتالیا را نگاه کنید. یا همین کانادا. ما این دو تیم را در همان هفته دوم بازی‌ها شکست دادیم، اما آنها روز به روز بهتر شدند و در نهایت هم بالاتر از تیم ما قرار گرفتند. در عوض ما ۱۵ بازی برگزار کردیم اما تا روز آخر هم آلکنو به شناخت درستی از نفرات تیم نرسیده بود.

بحث جوانگرایی یا پوست‌اندازی هم نبود که این نتایج قابل توجیه باشد. ما اگر نفرات جوان تیم را زیر فشار قرار می‌دادیم، حداقل به دستاورد بهتری می‌رسیدیم.

اما در همین رقابت‌ها دیدیم که باز فشار اصلی روی نفراتی مثل سعید معروف، محمد موسوی و میلاد عبادی‌پور بود. در کل ما در این تورنمنت روند رو به رشدی نداشتیم. ما باید استرالیا را می‌بردیم، باید آلمان را می‌بردیم، باید صربستان را هم می‌بردیم. این باخت‌ها چه توجیهی دارد؟ اگر بازی تدارکاتی است، خب بازی تدارکاتی آسان را که باید ببریم. اینها تیم‌های درجه یک دنیا نبودند.

***آیا نتایجی که در لیگ ملت‌ها به دست آمد می‌تواند شرایط روحی تیم‌ملی را در المپیک تحت‌تاثیر قرار دهد؟***

صددرصد. این عملکرد پرانتقاد و ضعیف هم روی نفرات باتجربه تیم تاثیر منفی خواهد داشت و هم روی نفرات جوان تیم. خاطرم هست کارلوس کی‌روش همیشه می‌گفت، هیچ وقت نگویید فلان بازی تدارکاتی است. همه بازی‌ها از نگاه کی‌روش بازی رسمی بودند و او حتی در نزدیکی رقابت‌ها حریفان را طوری انتخاب می‌کرد که تیم‌ملی شانس بیشتری برای بردن داشته باشد. اینها برای این بود که روحیه تیم همیشه بالا باشد، اما آیا در والیبال هم در این مقطع حساس، به چنین نکاتی توجه شده؟ قطعا نه.

***انتقادهایی که از میلاد عبادی‌پور شد چقدر منصفانه بود؟***

میلاد عبادی‌پور سال ۲۰۱۴ به عنوان جوانترین بازیکن لیگ ملت‌ها انتخاب شد و بعد هم آن‌قدر توانمندی داشت که در سطح اول والیبال دنیا بازی کند.

میلاد خودش هم قبول داشت که به لحاظ فنی با روزهای اوجش خیلی فاصله گرفته ولی یادمان هم نرود که او در این ۷ سال خیلی برای تیم‌ملی زحمت کشیده. این‌که ما در فضای مجازی بخواهیم به او توهین کنیم اصلا کار پسندیده‌ای نیست. این رفتارهای زشت نه تنها هیچ کمکی به بازیکن نمی‌کند که باعث ایجاد دلسردی می‌شود.

***عملکرد آلکنو را در لیگ ملت‌ها چطور ارزیابی می‌کنید؟***

می‌گوییم آلکنو یکی از ۵ مربی برتر دنیاست که با روسیه مدال طلای المپیک را گرفته، با زنیت قهرمانی‌های زیادی کسب کرده و سال ۲۰۱۷ به عنوان مربی سال کنفدراسیون والیبال اروپا انتخاب می‌شود. اما در همین لیگ ملت‌ها، عملکرد او علامت سؤال‌های زیادی در ذهن مربیان و کارشناسان ایجاد کرد و خیلی‌ها بر این باور بودند که با توجه به رزومه قبلی، ما چیز خاصی از این مربی ندیدیم. با این حال چون آلکنو برای المپیک آمده، امیدواریم در المپیک عملکرد بهتری را از او شاهد باشیم.

***ارزیابی شما از المپیک توکیو چیست؟***

خودمان را نباید گول بزنیم. والیبال ما با تیم‌های سطح اول دنیا واقعا فاصله دارد. به هر حال ما در بخش دریافت اول واقعا ضعف داریم. شما وقتی دریافت اول‌تان به خوبی در اختیار پاسور قرار نگیرد در حمله دچار مشکل می‌شوید. در بحث سرویس هم فاصله‌مان با تیم‌های درجه یک دنیا زیاد است. الان دیگر شروع حمله یک تیم از سرویس است و توپی که با سرعت ۱۳۵ کیلومتر وارد زمین می‌شود کار را برای حریف دشوار می‌کند و باید بپذیریم فرصتی هم نیست که بخواهیم این نقاط ضعف را برطرف کنیم. از صمیم قلب امیدوارم تیم‌ملی در توکیو نتیجه بگیرد، اما باید اعتراف کنم که کار واقعا سخت است. خیلی سخت.

***داستان والیبال ایران بعد از المپیک چه خواهد بود؟ در واقع ما تا کی قرار است از ظرفیت نفرات باتجربه‌ای مثل سعید معروف یا سیدمحمد موسوی استفاده کنیم؟ آیا از فرصت‌های ارزشمندی که به‌واسطه حضور در رقابت‌های بین‌المللی مختلف نصیب والیبال ایران شده توانستیم استفاده کنیم و نفرات جایگزین خوبی پرورش دهیم؟***

متاسفانه باید بگویم نه. من سعید معروف را مثال می‌زنم. عقل سلیم می‌گوید اگر ما پاسوری داریم که ۳۵ سال سن دارد، باید کنار او پاسوری را قرار بدهیم که بین ۲۰ تا ۲۵ سال داشته باشد. اما ما در همین مسابقات دیدیم کنار معروف پاسوری قرار می‌گیرد که خودش ۳۲ سال سن دارد. این اسمش دوراندیشی نیست واقعا. این اتفاق در گذشته هم به شکل دیگری تکرار شده بود. یعنی آن زمان که سعید معروف پاسور اول ما بود و مهدی مهدوی در کنار او به عنوان پاسور دوم توپ می‌زد، مهدوی به لحاظ سنی بزرگتر از معروف بود! شما به همین لیگ‌برتر والیبال نگاه کنید. فلسفه برگزاری رقابت‌های لیگ بحث استعدادیابی و معرفی بهترین‌ها به تیم‌ملی است. اما با این وجود می‌بینیم پاسور تیم فولاد سیرجان که قهرمان رقابت‌ها شد علیرضا بهبودی است با ۴۲ سال سن! امیر حسینی که هنوز هم دارد پاس می‌دهد و در سایپا بازی می‌کند ۴۵ سال سن دارد! این عددها واقعا تاسف‌بار است و نشان می‌دهد هیچ دوراندیشی نداشتیم. در لیگ‌های معتبر دنیا هیچ تیمی سراغ پاسورهای بالای ۴۰ سال نمی‌رود اما اینجا آن‌قدر نسبت به پرورش نفرات جایگزین بی‌توجه بودیم که نفراتی چون بهبودی و حسینی، با این سن و سال، بهترین‌های پست خودشان هستند و کسی هم به گرد پایشان نمی‌رسد. نفراتی مثل امیر حسینی ، علیرضا بهبودی و عبدالحمید چوگان با وجود ۴۵ - ۴۰ سال، از الان برای فصل آینده قراردادهایشان را بسته‌اند و این سؤال مطرح است که نفرات جوان چه زمان فرصت عرض‌اندام پیدا می‌کنند.

***با این حساب، یک انتقاد بزرگ هم به سازوکار لیگ برتر ایران وارد است.***

بله. مربیان و مدیران متاسفانه به شدت نتیجه‌گرا و در عین حال محتاط شده‌اند. رویکرد نتیجه‌گرایی آنها باعث می‌شود فرصت بازی از نفرات جوان گرفته شود. احتیاط برخی مربیان هم ابتکار عمل را از بازیکنان می‌گیرد. خودم بارها شاهد بودم که مربیان در زمان‌استراحت به بازیکنان گوشزد می‌کنند سرویس پرشی نزنند یا حتی آنها را تعویض می‌کردند تا بازیکنی به زمین برود که سرویس ساده بزند. در واقع این جرات و شهامت از مربی به بازیکن منتقل می‌شود و یکی از بزرگترین مزیت مربیان خارجی در قیاس با مربیان داخلی همین است.

***در پایان از نفرات شاخص این تیم برای ما بگویید.***

من ایرادی از نفرات جوان تیم نمی‌گیرم چراکه در حد خودشان عالی کار کردند و به تایید سایت فدراسیون جهانی، نفراتی مثل صابر کاظمی در برخی صحنه‌ها چیزی کم از یک بازیکن باتجربه تراز اول نداشتند. صابر کاظمی، میثم صالحی، آرمان صالحی نفرات شاخص ما در این تورنمنت بودند که بسیار شجاعانه بازی کردند. مطمئنم اگر حال تیم خوب بود، قطعا با این نفرات جوان اتفاقات خوبی برای تیم می‌افتاد.

کارلوس کی‌روش همیشه می‌گفت، هیچ وقت نگویید فلان بازی تدارکاتی است. همه بازی‌ها از نگاه کی‌روش بازی رسمی بودند و او حتی در نزدیکی رقابت‌ها حریفان را طوری انتخاب می‌کرد که تیم‌ملی شانس بیشتری برای بردن داشته باشد. اینها برای این بود که روحیه تیم همیشه بالا باشد، اما آیا در والیبال هم در این مقطع حساس، به چنین نکاتی توجه شده؟ قطعا نه